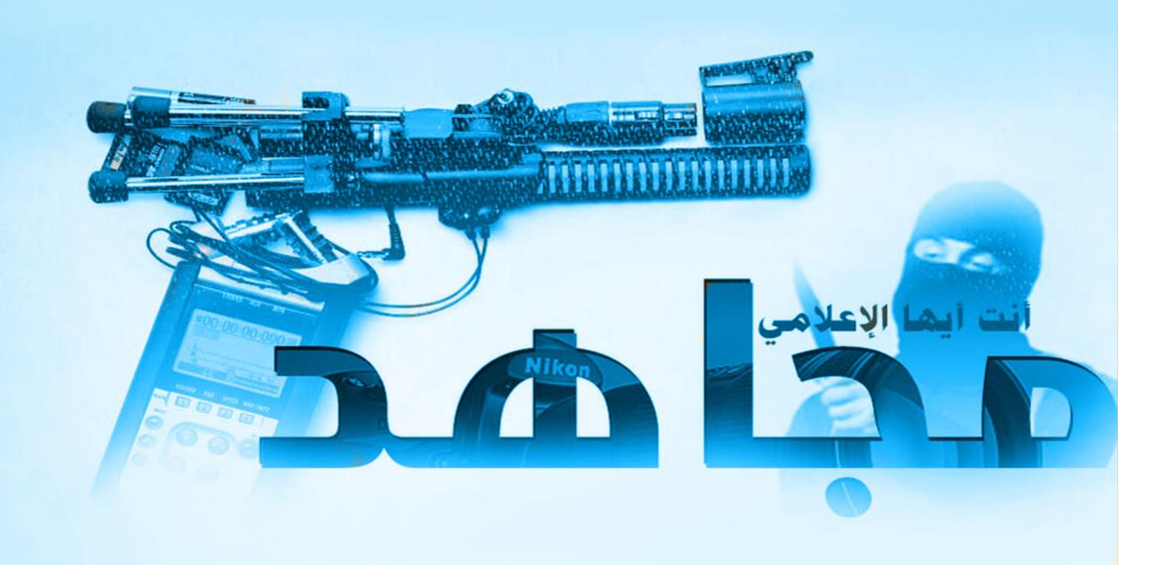


امانة البلاغ

خطاب به کسانی که امانت پیام رسانی را بردوش دارند

به قلم: شیخ ابوحمزه المهاجر (تقبله اللّه)



امانة البلاغ

خطاب به کسانی که امانت پیام رسانی را بردوش گرفته اند...

به قلم:

شیخ ابوحمزه المهاجر (تقبله الله)

(نخست وزیر و وزیر جنگ سابق دولت اسلامی عراق)

ستایش و سپاس اللّه را سزد؛ آن مالك ملك هستی،پاك و منزه از بی عدالتی، و متکبر و مبرا از ظلم،تنها موصوف به بقاء، و شنونده هر شکوه و نداء، و فریادرس هر مشکل و بلاء، و سلام و درود بر آن کس که نزدیکی رستاخیز با شمشیر مبعوث گشت و بشارت دهنده و ترساننده و داعی الی اللّه به اذن او و چراغی درخشان بود.

اما بعد: این نامه ای است مختصر ، خطاب به کسانی که امانت ابلاغ و پیام رسانی در میدان دفاع از عقیده توحید و اخلاق پیامبران و موحدین،به دوش آنان گذاشته شده است.

از زید بن ثابت رضی اللّه عنه روایت است که گفت:از پیامبر صلی اللّه علیه وسلم شنیدم که می فرمود:"نضراللّه امرأ سمع منا حدیثاً فحفظه حتی یبلغه"

«اللّه خوشبخت کند آن کس را که حدیثی را از ما شنید و آن را حفظ کرده و تمام و کمال به دیگران رساند.»

و از عبداللّه ابن عمرو به سند صحیح روایت است که پیامبر صلی اللّه علیه وسلم فرمود:"بلغوا عنی ولو آیۀ"

«ازسوی من پیام رسانی کنید حتی اگر شده یك آیه را.»

و "آیه" همانطور که حافظ ابن حجر در فتح الربانی گفته است بر سه معنی اطلاق می گردد:

- ✓ علامت فاصل
- ✓ شگفتی حاصل
- ✓ و بلای نازل

و در صحیح مسلم از ابو سعید خدری رضی اللّه عنه روایت است که گفت:از رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم شنیدم که می فرمود:«هر کس از شما منکری را دید آن را با دستش تغییر دهد و اگر نتوانست با زبانش برای تغییر آن تلاش کند و......»

آیا منکری بزرگتر از این حمله سخت و وحشیانه علیه عقیده توحید، وجود دارد که اسلام را دچار وضعیتی کرده که از هر سو ضربه می خورد و هیچ حرکت حقیقی برای دفاع از اللّه و دینش انجام نمی شود!

و نتیجه ، آن شده که شریعت مبدل گشته و با اهل آن به جنگ برخاسته اند و باطل مزین گشته و حزب آن جلو افتاده است. و این جنگ با تخریب چهره جهاد و مجاهدین آغاز شد چرا که هر گاه خواستی که هر دعوتی را تخریب کنی بهترین روش آنست که شخصیتها و داعیان و حامیانش را تخریب کنی، و درنتیجه، مصطلح جهاد به مصطلح مقاومت یا انقلاب مبدل گشت تا تبعات و احکام شرعی را که درجهاد و جود دارد به دنبال نداشته باشد،و جهاد در مفهوم دفاع محصور گشت و سپس هرکس که از دین و سرزمین و ناموسش به دفاع پرداخت چهره شان و اعمالشان تخریب شد و مدافعین از جان و ناموس و وطن ،شدند خونریز و افراطی و تندرو و تروریست و مجرم!

جهاد عبارت است از: به کارگیری تمام توان و انتهای تلاش و کوشش برای اعلاء کلمه اللّه با زبان و سلاح،

اللّه تعالی می فرماید:{وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِی کُلِّ قَرْیَةٍ نَذِیراً . فَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَاداً کَبِیراً }

«اگر ما می‌خواستیم در هر شهر و روستائی، (پیغمبر) بیم‌رسانی را برمی‌انگیختیم. (ولی صلاح امتها و ملّتها در این نمی‌باشد) . پس (در تبلیغ رسالت و دعوت به حق ، استوار و کوشا باش و) از کافران اطاعت مکن (و به دنبال هوسها و خرافات ایشان مرو) و با (اسلحه) قرآن با آنان جهاد بزرگ (و همه جانبه تبلیغاتی) را آغاز کن.»

طبری رحمه اللّه در تفسیر آیه می گوید:«با این قرآن با آنها به جهادی بزرگ بپرداز تا اینکه منقاد و مقر به فرائض اللّه که در قرآن آمده، شوند».

آیا این همان جهاد تبلیغی به نص قرآن نیست؟

امام احمد با سند صحیح از انس رضی اللّه عنه و او از پیامبر صلی اللّه علیه وسلم روایت می کند که گفت:

"جاهدوا المشركين بألسنتكم و أنفسكم و أيديكم"

«با مشرکین با جانهایتان و اموالتان و دستانتان جهاد کنید.»

و در مسند با سند صحیح ازکعب بن مالك رضی اللّه عنه روایت است که به پیامبر صلی اللّه علیه وسلم گفت: اللّه عزو جل در باره شعر آیاتی را نازل کره که خود می دانید"پیامبر فرمودند:"مؤمن باید با شمشیر خود و زبان خود جهاد کند قسم به کسی که جانم در دست اوست اثری که با شعر بر دشمن می گذارید مانند آنست که به آنها تیر می زنید"

یعنی تبلیغ و مبارزه زبانی در روحشان ، همانند تأثیر تیر در جسدشان ،اثر میگذارد و در روایتی دیگر از آن هم مؤثرتر است.

و نیز خود رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم صدا و تصویر را برای روشن کردن حقائق دین به کار برده است. درحدیث صحیح از انس رضی اللّه عنه روایت است که گفت:"پیامبر صلی اللّه عیه وسلم خطوطی را کشید و سپس گفت: این خط ،آرزوی انسان است و آن خط اجل اوست و در این حین خط نزدیکتر می رسد...."

و از ابن مسعود در حدیث صحیح روایت است که :«پیامبر صلی اللّه علیه وسلم خط مربعی را رسم نمود و خطی را در وسط آن و رو به بیرون کشید....».

ابن بطال رحمه اللّه می گوید:«پیامبر صلی اللّه علیه وسلم در حدیث ابن مسعود آرزوی انسان و اجل او و عوارض دنیوی را که از او جدا نمی شوند،را درقالب خطوط مثال زد». و کتاب اللّه تعالی مملو از امثال است همانطور که حکیم ترمذی می گوید:«اللّه تعالی برای اذهان مردم مثالها زده است تا چیزهایی را که از گوشها و چشمان ظاهریشان پنهان است با توجه به محسوسات درك كنند».

اللّه تعالی برای کلمه طیبه و خبیثه و منافق و کافر و یهود مثال زده است؛اللّه تعالی می فرماید:{ وَيَضْرِبُ اللّهُ الأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ}

«خداوند برای مردم مثلها می‌زند تا متذکّر گردند (و پند گیرند).»

و نیز می فرماید:{ وَيَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ }

«خداوند برای مردمان مثلها می‌زند (تا معقول را در قالب محسوس بنمایاند و دور از دائره دریافت خرد را - تا آنجا که ممکن است ، با کمك وحی و در پرتو دانش - به خرد نزدیك نماید) و خداوند آگاه از هرچیزی است.»

و می فرماید:{ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ }

«اینها مثالهائی هستند که ما برای مردم می‌زنیم ، و جز فرزانگان ، آنها را فهم نمی‌کنند.»

سید قطب رحمه اللّه می گوید: «معانی کلی مجرد، در تصور بشری غیر قابل ادراك و سرگردان می ماند تا اینکه در قالب صورتی محسوس در آید....-سپس می گوید-به همین خاطر قرآن برای مردم مثال می زند و معانی عمیق را با قرار دادن آن در تصویر و نمایش به حسشان نزدیك می گرداند.»

رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم در احادیثشان درباره قرآن خوان و درباره پیامبر و پیامبران قبلی اش ، و درباره این امت و یهود و نصاری،و درباره مؤمن و صحابه،مثال می زند. بنابراین رساندن حق در ساده ترین و واضح ترین و جدید ترین اسلوب ها، وظیفه ای نبوی و روشی قرآنی است. میدان مبارزه آرام نگرفته و آرام نخواهد گرفت،اللّه تعالی می فرماید:{ وَلاَ يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُواْ}

«(مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند.»

اهالی فاجر رسانه، امروزه حول دو محور مهم کار می کنند:

اول: محور تخریب حق با سوت کشیدن و دست زدن و خلط کلام، اما با روش جدیدشان؛مردم را مشغول کرده و با انواع روشها آنها را از شنیدن حق و شناخت آن، دورکرده اند. فسق و فجور و بی بند وباری را آسان کرده و سپس به روش قصه گویان و زیر پرچم نضر بن حارث جلوی پیوستن مردم به دین را گرفته اند؛

نضربن حارث کسی بود که به شهر حیره رفته و داستان های پادشاهان فارس را آموخته بود و هرگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم در مجلسی می نشست و برای مردم از الله می گفت و قومش را از دچار شدن به عاقبت امتهای قبلی، بیم می داد، نضر بلند می شد و می گفت: ای قریش به الله سوگند من از او شیرین زبان ترم، به سوی من آیید تا سخنی بهتر از سخن او برایتان بگویم، و سپس از داستان های پادشاهان فارس و رستم، برایشان می گفت، ابن اسحاق می گوید: ابن عباس رضی الله عنه می گفت: به من چنین رسیده که درباره او این آیه نازل شده است:

{ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ }

«هنگامی که آیه‌های ما بر او خوانده می‌شود ، می‌گوید : افسانه‌های پیشینیان است.»

رهروان راه نضر بن حارث را در این زمان می بینم که در چگونگی مشغول کردن مردم و جلوگیری آنان از شنیدن حق، با تمام وسائل با هم مسابقه می دهند،فیلمهای مبتذل و سریالهای مزخرف را منتشر می کنند و مؤسساتی چون

"الحرة" و "العربية" و BBCو MBCرا برای این کار ایجاد کرده اند و اغلب شبکه های ماهواره ای دولتهایی که مسلمان نشین هستند، چنین هستند، و مفسدان بی بند و بار را در این شبکه ها ،"ستاره" می نامند و در حقیقت آنها را در مقابل سروران امت، اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار داده اند.

همانطور که در صحیح مسلم از ابی موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سرشان را به سوی آسمان بلند کردند-و بسیار چنین می کرد-و فرمود:"ستارگان مصونیتی برای آسمان هستند و هرگاه ستارگان ازبین بروند آن چیزی که آسمان از آن بیم داده شده، به سراغش می آید و من مصونیتی برای اصحابم هستم و هرگاه من بروم آنچه که به اصحابم بیم داده می شد به سراغشان می آید و اصحابم مصونیتی برای امتم هستند و هرگاه اصحابم بروند آنچه که امتم از آن بیم داده می شد به سراغش می آید" ،

ابوالعباس قرطبی در المفهم می گوید:«یعنی مادامی که اصحابم موجود باشند، دین استوار بوده و حق غالب و پیروزی بر دشمنان حاصل خواهد بود».

اینان ستارگان ما هستند که بدانها اقتداء می کنیم، بایدبه فرزندانمان سیرت و جهاد و نامها و نسبها و همه چیزشان را یاد دهیم نه سیرت فساقی که فرزندانمان با آنها بیشتر از صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم آشنایی دارند!

محور دوم برای بازداشتن از راه اللّه: دسته دوم مسؤول کسانی هستند که از محور اول خود را رهانیده و توانسته اند که حق را بشنوند و پیام الهی را دریابند.

درمورد چنین کسی به کارداران محور دوم، وظیفه تحریف معانی کتاب آسمانی و پیچاندن و توجیه و تأویل نصوص شریعت محول شده است، و بدین خاطر مؤسساتی را دایر کرده اند که خطرش از اولی کمتر نیست و آن را "شبکه های ماهواره ای دینی" نامیده اند.

دراین شبکه ها عده ای از علمای دین فروش و داعیان ضلالت را درمعرض مردم قرار داده و آنها را خوب و محترم و عالم و دانا و با تقوی و معتبر و مورد اعتماد و پیشوا جلوه داده و درها را به رویشان باز کرده و آنها را تمجید و ستایش نموده و با تمام اوصاف جلال و وقار آنها را توصیف کردند و حتی صورتشان را زیبا کردند! - برایم گفتند که بسیاری از آنها قبل از نشستن جلوی دوربین از وسائلی استفاده میکنند که صورتشان را که مورد غضب اللّه تعالی است را خوب و زیبا و نورانی جلوه دهند!.

و اینان در این دو محور، پیرو روش کفار قبلی هستند که اللّه تعالی درباره شان می فرماید: {وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ} «کافران (به همدیگر) می‌گویند : گوش به این قرآن فرا ندهید ، و در (هنگام تلاوت) آن یاوه سرائی و جار و جنجال کنید (تا مردمان هم قرآن را نشنوند و مجال اندیشه درباره مفاهیم آن از ایشان گرفته شود و) شما پیروز گردید.»

ابن جوزی در زاد المسیر می گوید: «"والغوا فیه" یعنی با بیهوده گوئی با آن معارضه کنید. و کفار یکدیگر را سفارش می کردند که "هرگاه از محمد و اصحابش قرآن شنیدید صدایتان رابلند کنید تا سخنشان بر آنان ملبس گردد" و مجاهد میگوید: "با سوت کشیدن و کف زدن و خط گفتار جار و جنجال کنید".

سید قطب رحمه الله می گوید: «دشمنان دین تلاش کردند که مردم را از قرآن دور کنند و هنگامی که از این کار عاجز گشتند قرآن را به ترتیل های تغییر دادند که قاریان با آن ترنم کرده و شنوندگان از آن به وجد آیند (بدون اینکه تدبری درکارباشد) و آن را به تعویذهایی تبدیل کردند که مردم در جیبها و زیر بالش هایشان می گذارند....-سپس می گوید- دشمنان دین برای قرآن بدل هایی را ایجاد کردند که مردم در تمام شؤون زندگی راهمایی ها را از آن دریافت دارند و حتی عقائد و افکارشان را از آن بگیرند علاوه بر آنکه قوانین شان را از آن دریافت می دارند...سپس می گوید-این همان مانور نضر بن حارث است اما درشکلی جدید و پیچیده که متناسب با زمان و پیچیده شدن زندگی نو می باشد، اما این همان است در شکلی از اشکال زیادی که تاریخ توطئه چینی برای دین، در طول قرون آن را تجربه کرده است».

برای اینکه دواء را بشناسیم باید بیماری را بشناسیم، و ویروس مرض را تشخیص دهیم؛ تا بتوانیم ضد آن کار کنیم. ما دو محور مهم کارشان را مختصراً معرفی کردیم و باید شما برنامه ای عملی داشته باشید و با تمام جدیت و پشتکار و با راهکارها و اسلوب برنامه ریزی شده و زمانبندی دقیق ، برای تحقق آن تلاش کنید، و آنچه در ادامه می آید مختصراً برخی از پیشنهاداتی

است که دوست دارم در کارهایتان به آن توجه کنید و این پیشنهادها از باب مشورت است و الا شما داناتر و آگاه تر هستید و شما را بهتر میدانیم.

اول: ایجاد ترس و رعب و وحشت درصفوف دشمنانمان با به کارگیری تمام وسائلی که شریعت برای این هدف مباح کرده است.

اللّه تعالی می فرماید:{ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلآئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُواْ الَّذِينَ آمَنُواْ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الرَّعْبَ}

«(ای مؤمنان ! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمك و یاریتان می‌نمایم . شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت‌قدم بدارید ، (و من هم) به دلهای کافران خوف و هراس خواهم انداخت.» [انفال/12]

زمخشری در کشاف میگوید:«هیچ کمکی بزرگتر از انداختن ترس و رعب در قلوب کفار نیست و هیچ ثابت قدمی بالاتر از زدن گردنهایشان نیست و جمع شدن این دو با هم نهایت پیروزی است».

بنابراین ایجاد رعب و وحشت، عملی ربانی بوده و در بسیاری از عرصه ها کار را قبل از آغازش به پایان می رساند. در صحیحین ازحدیث ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم فرمودند:

"بعثت بجوامع الكلم و نصرت بالرعب"

«با کلمات قصار و جامع مبعوث گشته ام و با رعب نصرت شده ام.»

و از جابر بن عبدالله در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: "نصرت بالرعب من مسيرة شهر"

«از فاصله یک ماهه با رعب نصرت داده شده ام.»

ملهب رحمه الله می گوید:«این چیزی است که الله تعالی ایشان را به آن اختصاص داده و او را با آن برتری داده است وبه احدی غیر او عطا نشده است و ما آن را به عیان دیده ایم، ابومحمد الاصیلی برایمان گفت که: وقتی برشلونه را همراه ابن ابی عامر فتح کردیم ،

بعدها از کسانی که از قسطنطنیه می آمدند به ما خبر موثق رسید که وقتی خبر فتح برشلونه به اهالی آنجا رسیده بود آنقدر ترسیده بودند که دروازه های قسطنطنیه را فوراً در همان روز بسته بودند و حالت آماده باش گرفته بودند درحالی که آن شهر از ما دو ماه فاصله داشت».

با توجه به این مطلب،انتشار عملیات های مجاهدین در سایتهای کفار و نشان دادن قدرت مجاهدین و عزم و واراده پولادینشان و تعداد نیروها و امکانات نظامی برجسته مجاهدین، موجب می شود که الله تعالی رعب و وحشت را در دلهای کفار القاء کند.

دوم: تخریب چهره کفار و رسواکردن اخلاقشان و وصفشان به هر نقیصه ای که دارند و این کار باید به حق انجام شود نه به باطل.

الله تعالی می فرماید:{ وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ . هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ . مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ . عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ}

از فرومایه‌ای که بسیار سوگند می‌خورد، پیروی مکن. بسیار عیبجوئی که دائماً سخن‌چینی می‌کند. بسیار مانع کار خیر ،و تجاوز پیشه ،و بزهکار است. علاوه بر اینها درشتخوی و سنگین دل ، و انگشت نما به بدیها است . [قلم/10-14]

در حدیث صحیح از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که درباره آیه" عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ" گفت:«مردی ازقریش که دربدنش تاولی مانند خال بز داشت».

و طبری می گوید که او عیبی داشت که کسی نمی دانست تا اینکه زنیم گفته شد و همه دانستند و آن عیب در جسمش بود؛تاولی زشت در گردنش. و گفته شده که:"زنیم کسی است که پدرش معلوم نیست"».

و چه این باشد یا آن،به هر حال ما باید کفار را به هر عیب و زشتی که در خلق و خوی و خلقتشان وجود دارد توصیف کرده و آنها را در نظر مسلمین منفور کرده و در نزد مجاهدین بی ارزش کنیم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیه عمر ابن هشام را تغییر داد. کنیه او "ابوالحکم"بود و پیامبر کنیه او را به کنیه ای پست و قبیح تغییر داده و او را "ابوجهل" نامید، بعد از آنکه او به کنیه خودش که اشاره به عقل و حکمت دارد، افتخار می کرد. پس باید این منهج ما در تعامل با رؤسای کفار باشد اما باید این نامها را با دقت انتخاب کرد تا کلمات و اوصافی صادق ایجاد شوند به طوریکه خوب در جای خود بنشیند و بدرستی و اندازه در قالب در آید و به صاحبش بچسبد.

سوم: پیگیری کتب و گزارشها و تحلیل هایی که از غرب بیرون می آید و ترجمه چیزهایی که آن را اولاً برای مجاهدین و سپس برای عموم مسلمین مفید می دانیم، چه اطلاعات نظامی باشد یا راهکارهای امنیتی یا مشاکل سیاسی یا رسوایی های اخلاقی، و بهترین این موارد را میتوان در مجلات ملی و اجتماعی و نشریه های محلی یافت، و سپس بعد از جمع آوری موارد لازم و مفید، گزارشی حتی اگر شده هفتگی از این مطالب پرمایه تهیه گردد و برای استفاده عموم منتشر شود و یا برای رهبران جهادی که موضوع مطالب به آنها مربوط می شود فرستاده شود.

چهارم: پیگیری مطالبی که از فرق ضلالت و پیشوایان سوء و علمای دین فروش بیرون می آید و بیان تناقضاتی که دچار آن هستند و خطاهای مهلك و اشتباهات خطیری که مرتکب می شوند و بخصوص آنهایی که شعار مقاومت و انقلاب را سر می دهند.

پنجم: راه اندازی دوره های آموزشی برای تمام فنون مربوط به کار رسانه ای، از طریق اینترنت و تقسیم آنها به درجه های گوناگون تا مورد استفاده عموم قرارگیرد و تشویق جوانان برای شرکت در برنامه های عملی فشرده، و این برنامه و دوره ها در هر منطقه ای وجود دارد و در اماکنی رایگان و آسان مانند منطقه سلیکون در هند برگذار می شود.

ششم: اتصال و گفتگو با کسانی که در قضیه رسانه اسلامی کار می کنند و پشتیبان و حامی آن می باشند، و تلاش برای جلب همکاری بیشترین تعداد ممکن از آنها، و به خصوص در دولی که نوعی از آزادی رسانه ای و روزنامه

نگاری آزاد را دارا می باشند و یا اینکه سیطره بر اینترنت در آن کشورها آسان نیست.

هفتم: ایجاد گزارش تصویری روزانه که حاوی جدیدترین اخبار و به همراه تحلیل حوادث باشد و بخصوص در موضوعات مربوط به مجاهدین . چرا که هیچ تردیدی در اهمیت گزارش اخبار و نوع زاویه شرح وتحلیل آن، وجود ندارد. و پیشنهاد می دهم که هر روز صبح و با تحت پوشش قرار دادن تمام اتفاقات روز گذشته، پخش شود با این امید که به مرحله پخش ماهواره ای برسیم. و این کار را با رعایت تدریج و گام به گام جلو رفتن در تعداد آنچه آماده می کنیم و سپس روزانه پخش می کنیم، انجام شود. و نیز ایجاد گزارشی هفتگی از عملیات های مجاهدین در تمام مکانها و قضایای مربوط به آنها به طوری که درمورد عملیات ها توضیحات لازم را بدهیم و نظرات خود را عنوان کنیم تا روحیه شان بالا رود و رعب و وحشت را در صفوف دشمنانشان ایجاد کنیم و نشان دهیم که ما امتی واحده هستیم و برای يك هدف می جنگیم هر چند که در جبهات متعددی هستیم.

هشتم: ایجاد کلوپ ها و تالارهای گفتمان که دارای رویکردی علمی فنی باشند، و هر مطلبی جدیدی را ثبت و ضبط کرده و هر مطلب مفیدی را منتشر نموده و به دنبال آن در هر مکانی باشد، هیچ خیری را ترك مكن مگر اینکه آن را معرفی کرده و اماکن وجودش و چگونگی به دست اوردن آن و امن ترین راه ها برای رسیدن به آن را،نشان دهی. و لازم نیست که بگویم باید چشم نافذی باشی بر

هر چیزی که از نظر نظامی برای مجاهدین مفید است و یا ازنظر علمی آنها را بالا می برد، و رساندن این مطالب با راه های مناسب به آنان .

و البته ضرورتاً و حتماً این گونه کلوپها باید ظاهراً ربطی به مجاهدین وحتی مسلمین نداشته باشد.

نهم: ایجاد کلوپ ها و تالارهای گفتمان میانه رو و معتدل-به تعبیر آنها-و پیشنهاد می دهم که مثلاً درباره علم و علماء باشد و سخنرانی های آنها را منتشر کرده و اخبار و دروس آنها را پی گیری کند، و با زیرکی و هوشیاری تلاش کن که بیشترین تعداد ممکن از طلاب علم و داعیان را در آن و با تمام وسائل شرکت دهی، سپس مانعی ندارد که این تالارها و یا برخی از آنها زمانی که لازم باشد و یا ضرورتی ایجاب کند، جهادی شوند.

امام نووی رحمه الله می گوید:«علماء بر جواز فریب دادن کفار در جنگ اتفاق نظردارند به هر گونه ای که فریب ممکن شود الا وقتی که فریب، موجب نقض پیمان و یا امان شود که در آن صورت جایز نیست».

دهم: تماس با علماء و طلاب علم و دعوت آنان به انجام وظیفه شان در مورد انحرافات منحرفینی که قتال با آنها امروزه در سنگر ثوابت و قواعد کلی دین می باشد و بیان ضلالتهای جریانات منحرفی چون قوم پرستی و دموکراسی،و شایسته نیست که جوابیه ها ومناقشات تهی و خیالی بوده بلکه باید از متن واقعیت باشد، به عنوان مثال علی رغم انحراف خطرناك بسیاری از کسانی که نماینده مقاومت درعراق هستند ویا نیستند و خود رامسلمان جازده اند اما ما یك کتاب را از هیچ یك از علمای مسلمین ویا فتوایی شرعی را ندیدیم که به

باطل اینان جواب دهد بلکه برعکس برخی از کسانی که خود را در دعوت سلفیت جا زده اند،به زیباسازی چهره وطن پرستان پرداخته اند درحالی که خود منهج فاسدشان را می شناسند و نتیجه این شده است:انحرافی کوچك به سوی پرتگاه سوق داده است! و نیز باید کلوپهای(انجمن ها) جهادی با مقالات مهم و گفتمانهای جدی و نقد هدفمند،غنی شود تا اعتبار و ارزش ونمادیت خود را از دست ندهد،و طلاب علم نیز باید امکاناتی را که در دست دارند را برای دعوت مردم به جهاد و یاری اهل آن و تشویق جوانان به جهاد به کارگیرند و تمام تلاش خود را برای خدمت دین به کار بندند.

یازدهم: توجه به قضیه هك،و تشویق هر کسی که این استعداد را دارد و راهنمایی او به چیزهایی که استعدادش را قوی کند و یاری او با تمام راه ها،سایت های دشمن را باید تخریب کرده و به سدهای مؤسسات نظامی وامنیتی و سیاسی اش نفوذ کنیم،و بالاتر از این به اموال کفار حمله کرده و مؤسسات اقتصادی شان را تخریب کنیم،و رعب و وحشت را در صفوف شرکت کنندگان در آن ایجاد کرده و سلب اعتماد کنیم،ما گمان داریم که جنگ الکترونیکی یکی از جنگهای مهم و راهبردی آینده خواهد بود.

دوازدهم: صدور دفترچه یادداشتی از پیشنهادات و راهنمایی ها حتی اگر ماهانه،برای مجاهدین و رهبرانشان و درتمام عرصه ها و با توجه به حوادث روز،و در طی آن راهکارهای پیشنهادی و خواسته های امت را منتقل کنید و این اعمال به مثابه پلی بین امت و رهبرانشان خواهد بود،و حتماً بین مسلمین کسانی هستند که می توانند به مجاهدین نصیحت کرده و پیشنهادات خوبی

ارائه دهند.و ای بسا شخصی باشد که در فنی متخصص باشد و مانعی او را از رسیدن به مجاهدین منع کرده باشد،و بدین وسیله نصیحت و پیشنهاد او مانند گوهری در زمان و مکانش خواهدبود.

سیزدهم: زیرنظر گرفتن واکنشها در قبال اقوال و افعال مجاهدین و رهبرانشان و بخصوص عکس العمل های دشمنانشان، و مطالعه و تحلیل دقیق و عمیق آن برای شناخت موارد مثبت و منفی به منظور بهتر کردن عمل و اصلاح اشتباهات یا زیادکردن خیر ،و رساندن این امور با امانت به کسانی که به آنها مربوط می شود.

چهاردهم: انجام عمل جمعی منظم و موثق درعمل رسانه ای جهادی و با توجه به ظروف امنیتی و فنی، چرا که تحقق اهداف مورد امید ممکن نخواهد بود الا از طریق عمل جمعی ورهبریای که سکانه رسانه ای را مدیریت کند. ما هرگز نمی توانیم بنیان خود را استوار کنیم و دیگران ما را محترم نخواهند شمرد در حالی که تك تك و جدا از هم و ای بسا در مقابل هم و با تفرقه کار می کنیم.

اگر رسانه غربی بر اساس دروغ و فریب و دجل و واژگون کردن حقائق برپا شده و دروغ و خیانت و جهل و بی بند وباری اهم ویژگی ها و مهم ترین رکن بنیانش گشته،

رسانه مسلمان باید به صفات مهمی آراسته گردد،ازجمله:

اول: امانت و صداقت: اللّه تعالی می فرماید:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَكُونُواْ مَعَ الصَّادِقِينَ }

«ای مؤمنان ! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید.»

یعنی دائماً در نیت و قول و عمل ملتزم به صداقت باشید،چرا که صدق نیکی است و نیکی به سوی بهشت راه می برد،همانطور که در صحیحین از عبداللّه بن مسعود رضی اللّه عنه روایت است

اللّه تعالی هیچ پیامبری را نفرستاده وهیچ پیغمبری را مبعوث نکرده مگر اینکه صداقت وصف و نماد او و پیامش به سوی مردم بوده است.قریش رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم را قبل از بعثتش به صادق و امین توصیف می کردند .

کفار اهمیت صداقت را درك کرده اند؛ یکی از رهبران یهود درباره رسانه شان میگوید:"ما در همه چیز به مردم راست گفتیم تا اینکه اگر دروغ هم بگوییم ما را باور میکنند"و ما می گوییم: پناه می بریم به خدا از اینکه به مسلمین دروغ بگوییم،شما را هشدار می دهم از اینکه از شما دروغی به مسلمانی دیده شد،این کار خسران در آخرت و ناکامی در دنیا است.

دوم: عدالت و عدل: مسلمان عادل کسی است که تهمت های مشکل ساز در پذیرش شهادت و گواهی، از او منتفی باشد، حسن سیرت و استواری و درستی ضمیر و وجدان از مهمترین صفات رسانه ای مسلمان می باشد، فاسق فاجر، عادل نبوده و شایسته این مقام نیست بخصوص در مواردی که مربوط به نقل اخبار و ترجمه اقوال می باشد. ونیز شما را به رعایت عدالت حتی با دشمنانتان

تشویق می کنم،اللّه تعالی می فرماید:{وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى}

«و دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید . دادگری کنید که دادگری(به ویژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیکتر است.» [مائده/8]

ابن کثیر رحمه اللّه در تفسیر آیه می گوید:«نفرت از قومی، شما به ترك عدالت درباره آنان واندارد بلکه عدالت در باره هرکسی رعایت کند چه دوست باشد چه دشمن».

و طبری رحمه اللّه می گوید:«دشمنی قومی شما را واندارد که در حکمتان درباره آنان و رفتارتان بین آنها عدالت را کنار بگذارید».

و برای همین رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم در روایتی که بزار با سند صحیح روایت کرده ، درباره دشمنش عتبه بن ربیعه در بدر قبل از شروع جنگ فرمود:"اگر یک نفر از اینان خیری نزد او باشد او صاحب شتر سرخ است، اگر او را اطاعت کنند راه درست را می یابند". و عتبه آنان را به بازگشت و عدم جنگ فرمان می داد. ثالثاً: حسن خطاب وادب و عفت کلام. و این امر با مسلمین باید با نرمی و سخن پاك و نیکو باشد،اللّه تعالی می فرماید:

{ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرةٍ طَيِّبَةٍ}

«بنگر که خدا چگونه مثل می‌زند : سخن خوب به درخت خوبی می‌ماند...»

ابن قیم می گوید:«چون سخن خوب، نتیجه اش عمل صالح است و درخت خوب نتیجه اش میوه نافع است».

و در مسند با سند صحیح از ابوهریره رضی اللّه عنه روایت است که پیامبر صلی اللّه علیه وسلم فرمود:"الكلم الطيبة صدقة" «سخن نیکو صدقه است.»

ما باید آراسته به ادب پیامبران باشیم،

اللّه تعالی می فرماید:{ خُذِ الْعَفْوَ وَأمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ}

«گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیك دستور بده و از نادانان چشم‌پوشی کن.»

و نیزمیفرماید:{ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ }

«با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده . نتیجه این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است ، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد.»

از ابن عباس رضی اللّه عنهما روایت است که می گوید: اللّه تعالی مؤمنین را به صبر هنگام خشم، و شکیبایی هنگام جهل، و چشم پوشی هنگام بدی دیدن، امر می کند.اگر چنین کردند اللّه تعالی آنها را از شیطان محافظت کرده و دشمنشان را برایشان خاضع میگردد به طوری که انگار دوستی صمیمی می باشد.»

و اما گفتگو با کافر محارب، باید با ادب و انصاف و دوری از فحش و بی عفتی در کلام باشد،در حدیث صحیح از انس بن مالك رضی اللّه عنه روایت است که پیامبر صلی اللّه علیه وسلم ناسزاگو وفحاش و نفرین کننده نبود، ودر حدیث صحیح از عائشه رضی اللّه عنها وارد است که پیامبربه اوفرمود:"چه هنگام مرا فحاش دیده ای"

طبری میگوید: «فاحش:یعنی کسی که عفت کلام نداشته باشد»

و ابن بطال می گوید:« ریشه کلمه فحش در نزد عرب:هرچیزی است که از اندازه و حد خود خارج گشته و زشت شمرده شود.»

و در پایان: شما را به تقوی و خدا ترسی توصیه می کنم که بهترین توشه ها است.اللّه تعالی می فرماید :{وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى}

«و توشه برگیرید که بهترین توشه پرهیزگاری است.»

در حدیث صحیح از ابن عمر معلقاً روایت است که می گوید:"بنده به حقیقت تقوی نمی رسد تا اینکه هر چه را که در قلبش اضطراب ودودلی ایجاد کرد کنار بکذارد".

من مشکل برادرانی که در این عرصه کار میکنند بخصوص کسانی که با اینترنت یا ماهواره ها تماس دارند، را درك می کنم، از این رو آنها را به ازدواج و عجله برای این کار توصیه می کنم، و برای انتخاب همسر جز دین چیز دیگری را شرط مکن برادرگرامی ،

ان شاء الله چیزی را که تو را خوشحال کند خواهی یافت. و کسی که توانایی ازدواج نداشته باشد و چاره ای از پیگیری عمل خود ندارد باید روزه بگیرد، چون روزه برای او سپر محافظتی است همانطور که در صحیحین آمده است. و این را بدان که روزه یک روز و دو روز فایده ای برایت ندارد بلکه باید پشت سرهم روزه بگیری، و اثر آن را نمی بینی مگر بعد از دو یا سه ماه.

حافظ ابن حجر در فتح الربانی می گوید:«فهم -مسئله فرمان به روزه برای جلوگیری از شهوت- برای برخی مشکل بوده، چون که روزه حرارت را افزایش داده و این موجب تحریک شهوت است، اما باید دانست که این امر در ابتدای کار رخ میدهد وهنگامی که مداومت داشت و به آن عادت کرد ،شهوت آرام می شود».

و بدانید که کسی که نمی تواند نفسش را درحالی که محتاج ازدواج است به روزه وادارد، نمیتواند که آن را به پایین انداختن چشم وادارد و کسی که از الله در پنهان و آشکار نهراسد در کار و کوشش او خیری نیست.

در سنگر خود در این جبهه بمان،چرا که تو آن چنان شری را از مجاهدین دفع میکنی که خدا میداند. در سنگرت بمان،ما تو را در همانجا می خواهیم. گمان مبر که کار تو قول یا فعلی اضافی ونفل است،کار تو فرضی واجب بر توست، پس در امانتی که بردوش گرفته ای کوشا باش.

و هان! برحذر باش از مکر دشمنان،و هر چه که میتوانی از اسباب برای ایجاد امنیت استفاده کن و مبادا که در این مورد کوتاهی کنی و خود و سایت خود را نابود کنی، و اگر آنچه را که در توانت بود و اسبابش مهیا بود انجام دادی، الله

تعالی خود محافظ است. و چاره ای ای از خطرات احتمالی نیست چرا که هیچ کاری بدون خطر نیست، درعراق خونهای بسیاری از رسانه ای ها در راه اللّه به زمین ریخته شد،

به عنوان مثال حیی ادیب(عقیل) مسؤول نوارهای صوتی شیخ ابو مصعب رحمه اللّه و برادر عبد الاله الجنوبی، کمربند انفجاری خود را در وسط دشمن در حالی که نوار ویدیوئی خام شیخ ابو مصعب رحمه اللّه قبل از صدورش با آنها بود، منفجر کردند.

خطیب بغدادی در تایخ بغداد از جابر بن عبداللّه رضی اللّه عنه با سند صحیح روایت می کند که رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم فرمودند: "افضل الشهداء حمزة ابن عبدالمطلب ثم رجل قام الی امام جائر فامره ونهاه فقتل"

«بهترین شهداء حمزه بن عبدالمطلب است وسپس مردی که حاکم ظالمی را امر به معروف و نهی از منکر کند و بدین خاطرکشته شود.»

و این حدیث را حاکم نیز روایت کرده و کلمه افضل الشهداء را به "سید الشهداء" تصحیح کرده است. پس حرکت کنید به برکت اللّه،ازدین اللّه دفاع کنید،مجاهدین فی سبیل اللّه را یاری دهید، اللّه تعالی شما را محافظت کرده و یاری دهد و موفق کند. در پناه اللّه تعالی باشید.

برادرتان: ابوحمزه المهاجر